

حال اگر کسی بدروغ ادعای جعلیت سند دیگری را بکنند و کندی کار دادگستری و اجرای مواد ۳۸۰ تا ۳۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی کار را زیاده از حد بتأخیر و تعویق بیندازد تقصیری متوجه قانونگذار نیست و باید در فکر اصلاح دستگاه قضائی و رفع نواقص و معایب آن بود تا دعاوی زودتر حل و فصل شود و کسی هم از ترس محاکمه و مجازات سریع جرئت نکند بیجهت با اسناد نسبت جعلیت بدهد والسلام .

دکتر موسی جوان

مباحث الفاظ در مطالب فقهی

در شماره سیزدهم مجله کانون و کلا خاطر نشان نمودیم که چگونه در کشور ما تعلیم و تعلم از علم فقه و اصول فقه متروک شده و تدریس از این دو بر علوم دینی انحصار یافته است و مدرسین و استادان فقهی و حقوقی درصدد نیستند مطالب و احکام فقهی را از لحاظ مدنی و علمی با مقتضیات و احتیاجات امروزی ایرانی تطبیق نمایند بی آنکه در این تطبیق از حقوق اروپائی تقلید کنند . این مدرسین هر گاه فرضاً برای خالی نماندن برنامه‌ها تدریس از بعضی کتب فقهی سابق را معمول داشته اند روش تعلیماتی در این امر بقدری نا مانوس است که فائده ای از آن برای دانشجویان و طلاب حاصل نمیگردد و حتی بطوریکه اطلاع پیدا نموده ام اخیراً در دانشکده حقوق تهران برای اینکته کتابهای قدیمه فقهی از قبیل شرایع محقق را بر حسب ظاهر تغییراتی داده و با وضعیت امروزی هم آهنگ نموده باشند هر یک را بر چند جزوه تقسیم و هر کدام را علیحده چاپ کرده و برای هر یک سال از دوره دانشکده تخصیص داده اند و تصور مینمایند که تدریس و تعلیم از فقه اسلامی منحصر است بر اینکته

با همان اسلوب و عبارات و امثله و اصطلاحات و مقتضیات یکصد سال قبل آنهم از يك کتابی که در يك صد سال قبل تألیف شده باشد معمول دارند » این امر و یا این اشتباه سبب شده است که علم با عظمت فقه اسلامی که لا اقل در مدت یکپهزار سال تطور و توسعه یافته و حاصل رنج و زحمت و افکار دانشمندان ارجمند فقهی ایرانی است بتدریج از برنامه دانشکده ها و یا از جرگه علوم معنوی خارج شود در صورتیکه از یکطرف احکام مدنی و مبانئ فقهی بترتیبی که در قرآن کریم و سنت اسلام معلوم و مشخص شده اند با عالیترین مدنیت انسانی مطابقت مینماید و از طرف دیگر استادان حقوق و مدرسین ایرانی علاقه دارند که از زوال این علم جلوگیری نمایند و بقدر امکان عظمت سابق آن را احیا کنند ولی متأسفانه بی توجهی در علت اصلی سبب گردیده است که کوشش آنان بی نتیجه بماند. بهر صورت لازم میدانیم که تقیصه مزبور را باختصار یادآور شویم و این تقیصه راجع برمتود تحقیقات و روش علمی در تدوین فقه اسلامی است.

در کشور های اروپائی هر گاه در حقوق هر يك از ملتهای متنوعه از قبیل انگلیسی ، آلمانی ، فرانسه ، هلندی و غیره توجه فرمائید خواهید دید که هر کدام از این ملتها در طرز تفکر و طریقه استدلال و متود تحقیقات و بالاخره در تألیف کتب از یکدیگر متفاوت شده اند و بعبارۀ اخری مدنیت جدید و یا هم کیشی آنان در دین مسیحیت نتوانسته اند تفاوت و تنوع مزبور را از میان بردارند و از اینجهت مشخصات علم حقوق در هر يك از ملتهای اروپائی جدا و ممتاز از دیگری است چنانچه حقوق انگلستان از هر جهت از حقوق ملتهای دیگر جدا مانده و این جدائی بقدری بارز است که حتی دانشمندان فرانسوی حقوق انگلستان را يك حقوق رموز و اسرار آمیز نامیده اند و یا حقوق فرانسوی در طرز تفکر و روش تعلیمات و تحقیقات از حقوق آلمانی منفک است .

مشخصات فرهنگی و ملی و دینی هر يك از ملتهای اروپائی در حقوق آنان جلوه گر شده اند و دانشمندان هر ملت در پیشرفت این علم به زبان ملی خود همت گماشته اند بی آنکه مانند زمان قرون وسطی مطالب حقوقی

در این کشورها به زبان واحد یعنی به زبان لاتین تدوین یابد. بهمین سبب است که امروزه در علم حقوق رشته مخصوصی بنام حقوق تطبیقی پدید آمده و منظور از آن هم آهنگ ساختن حقوق ملتهای مختلفه بایکدیگر است. مقصود در این تذکرات نه این است که نگاشته شدن کتب فقهی را

بلسان عربی علت العلل وقفه ور کورد این علم بدانیم و یا کتب فقهی و نگاشتن مطالب را بزبان فارسی کافی برای رفع تقیصه بشماریم بلکه منظور ما اینست که علم فقه یک علم اختصاصی اسلامی و ایرانی است و مطالب آن بامعتقدات و اخلاق و عادات ایرانی هم آهنگ و متوافق است و از اینجهت ممکن خواهد بود که تعلیم و تعلم و تدریس از آن رونق یابد و عظمت سابق خود را بدست آورد مشروط بر اینکه علت اصلی در این عقب ماندگی مورد توجه قرار گیرد و در رفع آن کوشش بعمل آید.

قبل از بحث در تقیصه مزبور لازم میدانیم تفاوتی که در کتب فقهی نسبت بر کتابهای حقوق اروپائی بوجود آمده است یاد آور شویم و این توجه سبب خواهد شد که مطلب را در بیان مقصود روشن تر سازیم و این تفاوت عبارت از این است که اصطلاحات علمی در کتابهای فقهی و اصولی نسبت بر اصطلاحات مخصوصه در حقوق اروپائی افزون تر است و این فزونی اصطلاحات فقهی از مطالعه در یک صفحه از کتب دانشمندان اروپائی و مقایسه آن با یک صفحه از کتابهای دانشمندان فقهی واضح تر میگردد.

دانشمندان اروپائی مطالب خود را اغلب بلغات و الفاظ معموله در زبان ادبی و عمومی خود بیان میدارد ولی هر صفحه و یا هر سطر از کتب فقهی و اصولی مشتمل بر مقداری از اصطلاحات مخصوصه در عرف فقهای اسلامی است و این اصطلاحات بقدری افزون است که دانستن آنها و اطلاع از معانی مخصوصه آنها منوط بر صرف چند سال وقت و رسیدن بدرجه فقاقت و اجتهاد میباشد این امر سبب شده است که تا کنون هیچکدام از محققین و مستشرقین اروپائی نتوانسته اند بر دقائق و مشخصات فقه اسلامی آگاهی یابند و آنچه تا کنون از طرف این محققین در اینخصوص اظهار نظر شده تماماً سطحی بوده است ولی اطلاعات آنان راجع بر موضوعات دیگر بسیار دقیق و عمیق میباشد

اصطلاحات علمی در حقوق اروپائی نیز مانند همه علوم بوجود آمده ولی از حیث مقدار و تعداد نسبت بر اصطلاحات فقه اسلامی بسیار کم و ناچیز است. برای توضیح مطلب ناچاریم چند قسم از اصطلاحات معموله در کتب فقهی را یادآور شویم. قسمتی از اصطلاحات فقهی از علم منطق اقتباس شده و نظیر این اصطلاحات در کتابهای دانشمندان اروپائی کمتر معمول است اصطلاحات منطقی مزبور از قبیل الفاظ موضوع و محمول، تصور و تصدیق، مطابقه و تضمن و التزام، بسیط و مرکب، حقیقت و مجاز، مفهوم جزئی و مفهوم کلی، تباین و تساوی و عموم مطلق و عموم من وجه، حقیقی و اضافی، کلیات خمس از جنس و نوع و فصل و غیره و نقیض کلیات، عرض عام و عرض خاص، خاصه بسیطه و خاصه مرکبه، قضایا در تصدیقات، شرطیه و منفصله و متصله و محصوره مہمله و وضعیه و شخصیه، صغری و کبری و اوسط، منتشره و عامه و اقسام آنها، نقیض و عکس نقیض، ایجاب و سلب، قیاس و استقراء و تمثیل و هزاران اصطلاحات دیگر است.

اما قسمت عمده از اصطلاحات فقهی راجع بر اصطلاحات اصولی است از قبیل اصل و دلیل و اماره، صحیح و اعم، حقیقت شرعیه و حقیقت عرفیه مطلق و مقید، مفهوم و منطوق، اقسام مفهوم از شرط و غایه و استثنا و مخالف و موافق، اقسام احکام از انشائی و اخباری و تکلیفی و وضعی، عام و خاص خاص منفصل و متصل، صحیح و سلسله و واحده، حجت و ظهور و اظهر و ظاهر، مجمل و مبین، قطع و یقین و ظن و شک و مقدمات انسداد و یا مقدمات حکمت، شبهه حکمی و موضوعیه، تکلیف و جنس تکلیف، استصحاب و برائت و اشتغال و تخیر، مقتضی و مانع، اقسام اصالتها از قبیل اصالت العلیه، اصالت الصحه، اصالت العدم، اجتهاد و تقلید و تجزء و مخطئه و مصوبه و هزاران هزار اصطلاحات دیگر است.

علاوه بر دو قسم اصطلاحات مزبور بسیاری از اصطلاحات حکمت و یا از اصطلاحات علم نحو و علم صرف و معانی و بیان در کتب فقهی و اصولی وارد شده اند. این اصطلاحات گرچه هر کدام در لغت عرب دارای معانی لغویه میباشد ولی تماماً در مطالب فقهی معانی لغویه را از دست داده اند

و از این اصطلاحات بعضی در عرف دانشمندان بر معانی مخصوصه استعمال شده و بعضی در ابتدای امر بطور مجاز استعمال گشته و بعداً قرینه از میان رفته و بر معانی خاصه مصطلح شده اند. مقصود این است که اصطلاحات علمی و فنی در کتب اصولی و فقهی بقدری زیاد و افزون است که میتوان گفت دانشجوی برای فهمیدن مطالب فقهی ناچار است يك زبان کامل فقهی تعلیم یابد و بیاموزد تا بتواند مقصود مؤلف را از کتب فقهی و اصولی درک نماید.

اصطلاحات و الفاظ مخصوصه فقهی گرچه راجع بر ادله فقهیه میباشند نه مسائل عملیه فقهی ولی اطلاع از این مسائل بدون توجه در ادله هر کدام ناممکن است و این امر یکی از مشکلات مطالعه دانشجویان و محققین در مطالب فقهیه است زیرا در این کتابها خصوصاً در کتابهای مربوطه بر فقه استدلالی از قبیل مکاسب، جواهر الکلام، المستند و غیره دلایل اغلب با اشاره و اختصار ذکر شده از قبیل للاصل، للاستصحاب، للمقول، للعدم، لصحیحه و غیره و غیره ولی شرح و توضیح از این ادله و دلایل در کتب اصول فقه مذکور است اما در کتب دانشمندان اروپائی مطالب و مسائل حقوقی با دلایل هر يك همراه میباشند و اساساً در فقه اسلامی چون بحث از ادله نسبت بر مسائل فقهی تفکیک شده است جمع آنها با وضعیت کنونی در يك محل و یکجا ناممکن است و بهترین مثال آن روشی است که آقای جواد تارا در مقالات خود معمول داشته اند و خواسته اند در ضمن بحث و تحقیق از یکموضوع فقهی راجع بحديث الناس مسلطون از دلایل نیز شرح و توضیح دهند و بعبارة آخری هر مطلب را با دلیل آن همراه نمایند ولی موفق نشده اند زیرا از یکطرف رشته مطالب از هم گسیخته و از طرف دیگر طرز نگارش نا مانوس و ناروا گشته است.

کثرت اصطلاحات فقهی و تفکیک علم فقه و یا بالاخره تفکیک ادله فقهیه از مسائل فقهی سبب شده است که هر گاه شخص غیر فقیه مایل باشد که فقط در يك قسمت و یا يك فصل و یکموضوع از مطالب فقهی اطلاعاتی بدست آورد ناچار است چند سال صرف وقت کند و در هر دو علم فقه و

اصول فقه بدرجه اجتهاد و فقاہت برسید ولی برای کسب اطلاع از حقوق اروپائی چنین الزامی در میان نمیباشد زیرا در این حقوق و در کتب اروپائی از یکطرف دلیل هر مطلب همراه آن است و از طرف دیگر اصطلاحات آن بسیار محدود میباشد و دانستن هر اصطلاح نیز با مختصر توضیحات ممکن و مقدور و سهل و آسان است و هر شخص میتواند در هر قسمت از مباحث حقوق اروپائی با مختصر صرف وقت و مطالعه اطلاعاتی بدست آورد بی آنکه مجبور شود دوره کمال دانشکده را به آخر رساند و یا در علم حقوق اروپائی بدرجه دانشمندی رسد. بهر صورت در فقه اسلامی بغیر از شخص فقیه و مجتهد اشخاص دیگر قادر نیستند که بر حقیقت مطالب فقهی چنانچه بایستی واقف شوند. تردید نیست که این امر و این وضعیت و باین مانع در تحقیقات علمی چندان مطلوب نمیشود و باید از نقیصه های اصلیه علمی شمرده شود و این نقیصه ها تماماً ناشی از يك نقیصه است که در متود تحقیقات علمی و در اسلوب و روش آن پدید آمده و در شماره آینده مجله بتفصیل از آن توضیح خواهیم داد.

شعبه شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

شماره ۳۰۰ گیت

محمد - اعتضاد

شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین در یک چیز بنحوشاع. موضوع شرکت یا عین است یا منفعت یا حق است. سبب و موجد شرکت یا از جهت ارث یا از جهت عقد یا از جهت امتزاج یا از جهت حیات است: ۱ - شرکت از جهت ارث آنستکه در اثر فوت مورث ملکی تعلق بورثه او یابد و هر یک از ورثه بر حسب سهمی که شرعاً برای آنکه مقرر است در ملک مذکور شریک شوند.